



محسن شیرازی
تهیه کننده:

«دوروز دیرتر»
قربانی سانسور سلیقه‌ای شد

«دوروز دیرتر» از آن دست فیلم‌هایی است که بیش از آن که سرنوشتش در گیشه رقم بخورد، در مسیر تولید و اکران با چالش‌های جدی مواجه شد. محسن شیرازی، تهیه‌کننده این فیلم، در گفت‌وگویی صریح از پشت‌پرده شکل‌گیری پروژه، اصلاحیه‌های سلیقه‌ای، مشکلات مالی، اختلافات بخش و نگاهش به مفهوم «فیلم سفارشی» می‌گوید.

در روند تولید فیلم «دوروز دیرتر» چه عواملی باعث شد شما وارد فرایند تهیه‌کنندگی شوید و چرا این پروژه را پذیرفتید؟

در واقع فیلم «دوروز دیرتر» با خود من استارت خورد. طرح اولیه‌اش را خودم طراحی کردم، البته بر اساس قصه‌ای که آقای حسینی برای من تعریف کرده بودند. من در مقطعی مشاور مدیرعامل روایت فتح بودم و در یکی از جلسات، آقای حسینی قصه‌ای را مطرح کردند که جرقه طرح اولیه فیلم در ذهن من زده شد. خط داستانی اولیه درباره یک زن و شوهر بود که مدت‌ها قصد بچه‌دار شدن دارند اما موفق نمی‌شوند و درست زمانی که دیگر نمی‌خواهند، این اتفاق می‌افتد. از همان ابتدا هم مایه‌های کمدی در قصه وجود داشت.

تأمین اعتبار پروژه چگونه انجام شد و چه مشکلاتی در این مسیر وجود داشت؟

به دلیل مسئولیتی که آن زمان داشتم، توانستم برای روایت فتح ردیف تولید بگیرم. اما متأسفانه در دولت گذشته، سازمان برنامه و بودجه همکاری لازم را نداشت و تبعیضی بین روایت فتح و سایر نهادهای فرهنگی قائل شد. از بودجه‌ای که مصوب شده بود، فقط حدود ۲۰ درصد پرداخت شد و همین موضوع ما را در تأمین اعتبار با مشکل جدی مواجه کرد. با این حال، با لطف خدا و تلاش‌های فراوان، پروژه به سرانجام رسید. در واقع من تهیه‌کنندگی را نپذیرفتم، بلکه سایر دوستان همکاری با من را پذیرفتند و این پروژه به این صورت شکل گرفت.

بعد از جشنواره، فیلم با اصلاحیه‌های متعددی مواجه شد. این تغییرات چه تأثیری بر نسخه نهایی داشت؟

ما چیزی حدود ۱۳ یا ۱۴ اصلاحیه دریافت کردیم که بسیاری از آن‌ها کاملاً سلیقه‌ای و بعضاً بی‌مورد بودند. برای مثال، یک شوخی ساده از زبان خانم ناهید مسلمی به دلیل برداشت نادرست، به عنوان توهین تلقی شد و مجبور شدیم آن را حذف کنیم. همین حذف باعث شد بخشی از شوخی‌ها و طنز فیلم از بین برود. فیلم حدود شش ماه در انتظار پروانه نمایش ماند و عملاً متوقف شده

بود تا اینکه با تغییر مدیران، شرایط صدور پروانه بهتر شد و نهایتاً نسخه‌ای با اصلاحات کمتر مجوز گرفت.

درباره تأخیر در پرداخت مطالبات عوامل توضیح می‌دهید؟

علت اصلی تأخیر، عدم همکاری عجیب و غریب سازمان برنامه و بودجه بود. در سال ۱۴۰۱ برای روایت فتح بودجه‌ای حدود ۳۵ میلیارد تومان مصوب شده بود، در حالی که کل برآورد فیلم ۱۴ میلیارد تومان بود. تصورمان این بود که حداقل همان ۱۴ میلیارد تومان پرداخت می‌شود، اما در نهایت فقط ۷ میلیارد تومان تخصیص داده شد. این موضوع ما را کاملاً غافلگیر کرد. با پیگیری‌های فراوان، حمایت مدیرعامل وقت روایت فتح و بعد از ماه‌ها دوندگی، نهایتاً توانستیم منابع لازم را تأمین کنیم و همه عوامل را تسویه کنیم. این روند حدود پنج تا شش ماه طول کشید.

رابطه شما با بازیگران و عوامل در این مدت چگونه بود؟

با اغلب عوامل پشت و جلوی دوربین رابطه خوبی داشتیم. آقای فرهاد آبیخ با وجود اجرای تئاتر، برای جشنواره فجر تشریف آوردند. سینا مهرداد دوست قدیمی من است و ارتباط ما همچنان برقرار است. با اکثر بازیگران تعامل خوبی داشتیم و مسائل پیش‌آمده بیشتر ناشی از سختی‌های مسیر تولید و مشکلات مالی بود، نه اختلافات شخصی.

برخی معتقدند غیبت برخی بازیگران در اکران عمومی به فیلم لطمه زد. نظر شما چیست؟

من شخصاً معتقدم دوران فرس قرمزهای پرهزینه و اکران‌های تجملاتی گذشته است. نسبت هزینه به عایدی این مراسم‌ها اصلاً منطقی نیست. البته قبول دارم که حمایت معنوی بازیگران تأثیر دارد.

فیلم از سوی برخی منتقدان به‌عنوان اثری سفارشی معرفی شده است. پاسخ شما چیست؟

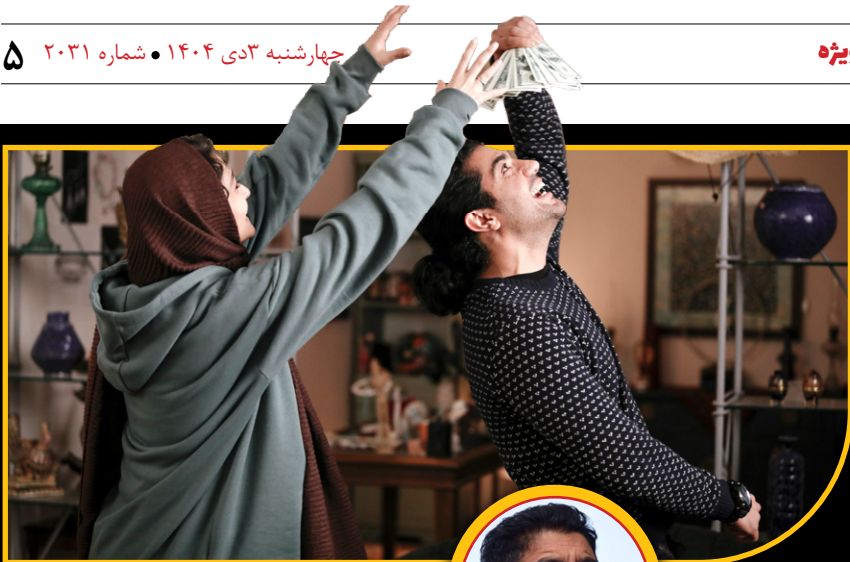
اگر فیلمی سفارشی بود، شش ماه پشت پروانه نمایش نمی‌ماند. این فیلم هیچ شباهتی به تولیدات ارگانی ندارد. نه شهیدگردانی است و نه شعاری. «دوروز دیرتر» فیلمی مردمی است که از زاویه نگاه جوان‌ها به مسئله فرزندآوری و دغدغه‌های اقتصادی نگاه می‌کند. این نگرانی‌ها واقعی است و در زندگی روزمره مردم وجود دارد.

بازخورد مخاطبان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برای من بازخورد مخاطب عام اهمیت بیشتری نسبت به نظر منتقدان جشنواره‌ها دارد. «دوروز دیرتر» فیلمی بی‌ادعا و آبرومند است؛ قصه‌ای روان دارد، لحنش شیرین است و دغدغه‌های اجتماعی را مطرح می‌کند. ما از ابتدا می‌دانستیم چه فیلمی می‌سازیم و انتظار معجزه در گیشه نداشتیم.

و در پایان، نکته‌ای خطاب به مدیران سینمایی دارید؟

سینمای ایران نیازمند حمایت واقعی از نیروهای جوان است. اگر قرار است تغییری ایجاد شود، باید به جوان‌ها میدان داد. «دوروز دیرتر» برای من فقط یک فیلم نبود، بلکه تجربه‌ای از واقعیت‌های تلخ و شیرین سینمای امروز ایران بود.



محسن غلامی
طراح صحنه:

جزئیات صحنه دیده نمی‌شوند، اما حس فیلم را می‌سازند

محسن غلامی، طراح صحنه فیلم سینمایی «دو روز دیرتر»، درباره تجربه همکاری با اصغر نعیمی و خلق فضایی صمیمی و واقعی در فیلم می‌گوید: «سعی کردم فضاها نه تنها در خدمت حال و هوای شخصیت‌ها باشند، بلکه نافته‌های آن‌ها را تکمیل کنند؛ جزئیاتی که ممکن است دیده نشوند، اما ناخودآگاه بر حس تماشاگر اثر می‌گذارند.»

چگونه به پروژه «دوروز دیرتر» پیوستید؟

من سر یک سریالی در گرجستان بودم و پس از پایان کار، وقتی به ایران برگشتم در فرودگاه تلفنم زنگ زد. آقای نعیمی پشت خط بودند. پس از یک سلام و احوالپرسی، ایشان موضوع فیلم و دعوت به همکاری را مطرح کردند. با آقای نعیمی رفاقت تقریباً ۲۰ ساله‌ای داشتم و پیش‌تر با ایشان در فیلم «قاتلین پیرمرد» هم در سمت طراحی صحنه و لباس همکاری کرده بودم. بعد از مذاکرات حضوری و بررسی بخش تولید، به پروژه «دوروز دیرتر» پیوستم و این همکاری شکل گرفت.

بعد از خواندن فیلمنامه، اولین برداشت شما از فضای بصری فیلم چه بود؟

فضاهای فیلم ساده و آشنا بودند؛ نه پرزرق و برق و اغراق شده، بلکه صمیمی و واقعی. لوکیشن‌ها ساده بودند، اما هر کدام رگه‌ای از احساس و گذشته شخصیت‌ها را با خود حمل می‌کردند. سعی کردم فضاها در خدمت حال و هوای شخصیت‌ها باشند. طراحی صحنه باید نقشی نامرئی اما در عین حال تعیین‌کننده داشته باشد. برای من مهم بود که بیننده بدون اینکه متوجه شود، حس و حال شخصیت‌ها را تجربه کند.

تعامل شما با آقای نعیمی چگونه بود؟

طراحی صحنه نتیجه یک تعامل زنده و خلاقانه بود، نه تصمیم یک‌طرفه. از خوانش اولیه فیلمنامه تا جزئی‌ترین انتخاب‌ها، با آقای نعیمی گفت‌وگو می‌کردیم. در بازبینی‌ها و انتخاب لوکیشن‌ها، تلاش می‌کردیم تعامل نزدیکی داشته باشیم تا در نهایت به تصمیم مشترک برسیم و آن را اجرا کنیم. حتی در کوچک‌ترین جزئیات مثل رنگ پرده‌ها، چیدمان وسایل یا نورپردازی طبیعی، گفت‌وگو و تبادل نظر داشتیم تا همه چیز با حال و هوای فیلم هماهنگ باشد.

درباره لوکیشن اصلی فیلم توضیح دهید.

لوکیشن اصلی خانه پیری بود. سعی کردم فضاهایی طراحی کنم که خاطرات و عشق به زندگی در آن جریان داشته باشد و گذشته هنوز نفس بکشد، خانه‌ای که فقط یک ساختمان نیست، بلکه حامل تاریخ، سکوت، روابط انسانی و خاطرات شخصیت‌هاست. هدفم این بود که حس عشق، دلبستگی و یادآوری از گذشته و خاطرات کودکی منتقل شود؛ فضایی که خانواده در آن جشن برگزار میکنند و دور هم جمع میشوند. کمک می‌کند که تماشاگر حس حضور در خانه را داشته باشد، نه صرفاً نگاه کردن به یک لوکیشن.

محدودیت‌ها چه تأثیری در کار شما داشتند؟

محدودیت همیشه وجود دارد، چه در سینمای ایران و چه در

سینمای جهان. ما سعی کردیم محدودیت‌ها مانع کارمان نشوند و آن‌ها را به زبان فیلم تبدیل کنیم. انتخاب فضاها با دقت انجام شد و محدودیت‌ها ما را به سمت سادگی و دقت بیشتر هدایت کردند، تا فضاها صدقانه‌تر و نزدیک‌تر به جهان فیلم باشند. محدودیت‌ها باعث شدند بیشتر روی جزئیات تمرکز کنیم و هر عنصر صحنه معنا و تأثیر خاص خود را داشته باشد.

چالش اصلی شما در طراحی صحنه چه بود؟

چالش اصلی این بود که صحنه‌ها دیده نشوند، اما تأثیرشان احساس شود؛ به گونه‌ای که فضاها با زتاب حال درونی شخصیت‌ها باشند، نه صرفاً پس‌زمینه روایت. برای مثال، نحوه قرارگیری یک صندلی یا یک قاب عکس می‌تواند خاطره‌ای را یادآوری کند و حس گذشته شخصیت‌ها را منتقل کند، بدون اینکه مستقیم دیده شود. یکی دیگر از چالش‌های اصلی این فیلم لوکیشن فینال کار بود که باید در شمال فیلمبرداری می‌شد، به دلیل شرایط جوی بد و زمستان و بودجه فیلم، اصرار داشتند که من لوکیشن شمال را در تهران برگزار کنم، اما خودم می‌دانستم که به لحاظ اقلیم و جغرافیا هیچ جوری نمی‌شود

شمال را در تهران برگزار کرد و آن هم فینال فیلم، به علت تأیید بسیار کم و از دست رفته مجبور شدم شبانه در شرایط برفی با ماشین شخصی خودم به سمت شمال حرکت کنم و در نایجه با چالش‌های فراوان در سیاهکل لوکیشن فینال فیلم رو پیدا کردم و با کارگردان ارتباط تصویری برقرار کردم و اطلاع دادم و بعد از جواب مثبت نهایی از ایشان، گروه به سمت شمال حرکت کرد و فینال فیلم رو در آنجا برگزار کردیم تا بر حسب وظیفه یک طراح صحنه، کارم رو کامل انجام داده باشم، که البته در آن لوکیشن بنده دچار شکستگی مچ دست هم شدم که جزو شیرینی‌ها و سختی‌های این کار بود.

مخاطب چه برداشتی از طراحی صحنه فیلم خواهد داشت؟

فضاها قابل لمس و آشنا هستند و شبیه زندگی روزمره طراحی شده‌اند. با این حال، در دلشان اندوه آرام و تامل برانگیز جریان دارد. طراحی صحنه سعی کرده حس گذشته و امید به آینده و عشق به زندگی مشترک را منتقل کند و تماشاگر آرام‌آرام با فیلم همراه کند و باور پذیر باشد.

جزئیات صحنه چه نقشی دارند؟

بسیاری از جزئیات صحنه در نگاه اول دیده نمی‌شوند. ما آکسسوارها و امان‌هایی را در چیدمان فضا قرار دادیم که معنادار در دل فضای فیلم جریان داشته باشد و به شکل آشکار تحمیل نشود. جزئیاتی که تماشاگر آن‌ها را کشف می‌کند، عمق فضا و قصه را بیشتر می‌کنند و حتی اگر دیده نشوند، خللی در روایت ایجاد نکنند. هر فیلم‌زبان و حال و هوای خودش را دارد. وظیفه من این است که با فیلمنامه وفق پیدا کنم و جهانی مخصوص آن خلق کنم. با اینکه فیلم‌های اجتماعی زیادی کار کرده‌ام، «دوروز دیرتر» جهان و زبان خاص خود را دارد و طراحی صحنه باید با آن هماهنگ شود. در این پروژه، تمرکز بر واقع‌گرایی و انتقال حس صمیمیت و خاطره‌بودن فضا بود، چیزی که در فیلم‌های دیگر ممکن است کمتر دیده شود.

وضعیت طراحی صحنه در سینمای ایران امروز چگونه است؟

امروز طراحی صحنه در ایران به سمت واقع‌گرایی و بیان جزئیات انسانی رفته است. برخلاف گذشته که فضاها گاهی نمادین یا تزیینی بودند، طراحان امروز سعی دارند فضا حامل حال و هوای شخصیت‌ها باشد و روایت بدون خودنمایی جریان یابد. استفاده از نرم‌افزارهای به‌روز و خلاقیت در مواجهه با محدودیت‌های تولید باعث شده طراحی صحنه در ایران پیشرفت کند و نقشی مشابه سکوت در موسیقی داشته باشد؛ دیده نشود، اما تأثیر در پرداخت روح فیلم و عمق روایت و ارتباط با تماشاگر را شکل دهد.

